

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين

حدیث اخلاقی هفته به مناسبت ولادت ولی الله الاعظم امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

روایت در کتاب احتجاج و کمال الدین از امام سجاد (علیه السلام) راجع به منتظران حضرت نقل شده. حضرت می‌فرماید «الْقَائِلِينَ بِإِمَامَتِهِ وَ الْمُنتَظِرِينَ لِظُهُورِهِ أَفْضَلُ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ». این يك نکته‌ی بسیار مهمی است. درست است که زمان، زمان غیبت است و ما از حضور مشافه‌ی با آن حضرت و استفاده‌ی از حضور ظاهری و دسترسی به آن حضرت محروم هستیم. اما این عنوان که مصداق برای افضل اهل كل زمان در این روایت قرار داده شده. عمده این است که به چه دلیل منتظران حضرت افضل مردمان همه‌ی زمان‌ها هستند؟

در ادامه می‌فرماید «لَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى ذِكْرُهُ أَعْطَاهُمْ مِنَ الْعُقُولِ وَ الْأَفْهَامِ وَ الْمَعْرِفَةِ». خدای تبارك و تعالی به این مردم و منتظران از عقول و فهم و معرفت حدّ زیادی اعطا کرده. یعنی علت اینکه منتظران افضل اهل كل زمان هستند اینست که مراتب معرفت و عقل‌شان بالاست.

شاخص اینکه مرتبه‌ی معرفت بالا باشد چیست؟ می‌فرماید «مَا صَارَتْ بِهِ الْعَبِيَّةُ عِنْدَهُمْ بِمَنْزِلَةِ الْمُشَاهَدَةِ». دو ملاك و شاخص را امام (علیه السلام) ذكر می‌کند. می‌فرماید غیبت برای اینها به منزله‌ی مشاهده است. یعنی اینها با اینکه امام علیه السلام را به حسب ظاهر نمی‌بینند اما درست به منزله مشاهده است، گویا درست خدمت امام می‌رسند از امام استمداد می‌جویند و طلب دعا می‌کنند، خودشان و اعمال خودشان را حاضر در نزد امام می‌دانند که این خودش خیلی مهم است، غیبت به منزله مشاهده است این يك ملاك.

بعد می‌فرماید «وَ جَعَلَهُمْ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ بِمَنْزِلَةِ الْمُجَاهِدِينَ بَيْنَ يَدَيِ رَسُولِ اللَّهِ بِالسَّيْفِ». اینها چرا افضل اهل هر زمان هستند چون خدای تبارك و تعالی اینها را به منزله‌ی مجاهدین در خدمت و در رکاب رسول خدا قرار داده.

همه‌ی استفاده‌ای که می‌خواهم از این روایت کنم در همین تعبیر هست. ما در فقه و اصول خواندیم تنزیل ملاك لازم دارد. اگر خدای تبارك و تعالی مردم این زمان را به منزله‌ی مجاهد در راه خدا آن هم در رکاب پیامبر قرار می‌دهد آیا این تنزیل بدون ملاك است؟

آیا ما در زمان غیبت باید دست روی دست بگذاریم کاری به ظلم و فساد نداشته باشیم بگوئیم بله خدا ما را به منزله‌ی مجاهد در راه خودش قرار داده؟ اینکه يك امر سخیفی می‌شود. بگوئیم خدا يك افراد بی‌مسئولیت، يك افرادی که اصلاً احساس تکلیف برای حفظ اسلام، تقویت اسلام، عمل به اسلام ندارند دست روی دست گذاشتند می‌گویند ما منتظر هستند، آیا این فرد قابلیت اینکه نازل منزله‌ی مجاهدین در راه خدا آن هم در کنار پیامبر آیا واقعاً هیچ عاقلی این مطلب را قبول می‌کند؟

به نظر من این تعبیر در بردارنده‌ی بسیاری از مطالب است. یعنی وظیفه‌ی شیعه در زمان حضور آسان‌تر از وظیفه‌ی شیعه در زمان غیبت است. در زمان حضور خود امام به حسب ظاهر امور را تدبیر می‌کنند. احکام را بیان می‌کنند، موضع‌گیری‌ها را می‌کنند. ولی در زمان غیبت شیعه نسبت به این امر باید حساس‌تر باشد.

اگر کسی بگوید در زمان غیبت اصلاً چیزی به نام حکومت اسلامی نداریم کما اینکه یقال هم سابقاً و هم فعلاً و هم در آینده. بعضی‌ها هستند که این را می‌گویند که در زمان غیبت ما چیزی به نام حکومت اسلامی نداریم. یعنی اساس فرمایش امام، روح حرکت امام، جوهر انقلاب به همین است که امام فرمود در زمان غیبت بر فقیه جامع الشرایط اگر امکان باشد که يك امكانش این است که مردم هم آمادگی داشته باشند، مردم تبعیت کنند کما اینکه مردم ما با تمام وجود آمدند در خدمت روحانیت و در خدمت امام. در این شرایط فقیه باید تشکیل حکومت بدهد.

آیا اگر در زمان غیبت دیدیم یهود دارد بر مسلمان‌ها سلطه پیدا می‌کند بگوئیم زمان زمان غیبت است و ما وظیفه‌ای نداریم؟ دست روی دست بگذاریم و بعد بگوئیم روایات هم می‌گوید شما که منتظر هستید بمنزلة المجاهد فی سبیل الله بین یدی رسول الله هستید؟ این امری است که بطلانش از اوضح واضحات است. لذا زمان غیبت مسئولیت مضاعف است تا زمان حضور. در زمان غیبت انسان باید با همه وجودش اسلام را حفظ کند. با همه وجودش برای پیاده شدن احکام اسلام قدم بردارد. این آن است که ما از این روایت می‌فهمیم.

بعد در ادامه روایت می‌فرماید «أُولَئِكَ الْمُخْلَصُونَ حَقًّا وَ شِيعَتُنَا صِدْقًا» شیعه‌ی واقعی اینها هستند یعنی مردم زمان غیبت که به وظیفه‌شان عمل می‌کنند. اگر امروز قضایای سوریه و عراق و داعش و مدافعین حرم به وجود آمد نیائیم با یکی دو کلمه ساده بگوئیم آنها که به ما حمله نکردند ما وظیفه‌ای نداریم و چرا در امور داخلی آنها دخالت کنیم؟ این حرف ناشی از ضعف و ناشی از عدم فهم وظایف در زمان غیبت است. به نظر من یکی از دوران حساس انقلاب همین دوران قضیه‌ی مدافعین حرم و داعش هست که هنوز هم بالأخره يك مقدارش باقی مانده. تشخیص اینکه انسان در این دوره چه وظیفه‌ای دارد بسیار مهم است.

در ادامه می‌فرماید «وَ الدُّعَاةُ إِلَى دِينِ اللَّهِ». عجیب است این «وَ الدُّعَاةُ إِلَى دِينِ اللَّهِ» در زیارتنامه‌های ائمه یکی از اوصاف ائمه است. این تعبیر «السَّالِمُ عَلَى الدُّعَاةِ إِلَى اللَّهِ» ظاهرش این است که باید دید مردم در زمان غیبت، قدر متیقنش ما طلبه‌ها هستیم، قدر متیقنش حوزه و روحانیت است باید داعی‌ای دین الله باشیم. این با دست روی دست گذاشتن نمی‌شود و بگوئیم دشمن هر کاری می‌خواهد بکند ما مراقب خودمان باشیم به حسب ظاهر دنیای خودمان را بخواهیم حفظ کنیم^[1].

فقط این را عرض کنم که در کنار این مباحث اساسی انسان منتظر، چه طلبه و چه غیر طلبه، منتظر واقعی کسی است که گناه نمی‌کند. کسی که گناه کند از دایره‌ی انتظار خارج می‌شود چه برسد به کسی که بخواهد به گناه کردن کمک کند. به فساد مفسدین و ظلم ظالمین بخواهد کمک کند.

این روایت را از ابی بصیر می‌دیدم که می‌گوید من به يك زنی در کوفه قرآن یاد می‌دادم در حین یاد دادن قرآن گاهی اوقات يك مزاح بین الاثنینی با او می‌کردم لساناً همین اندازه «فَمَا زَحَتْهَا بِشَىءٍ» يك مزاح خیلی ضعیف. مزاحی که شاید دو دوست با هم داشته باشند. می‌گوید وقتی بر امام باقر علیه السلام وارد شدم «عَاتَبَنِي» حضرت من را عتاب و مؤاخذه کرد و فرمود «مَنْ ارْتَكَبَ الذَّنْبَ فِي الْخَلَاءِ لَمْ يَعْْبَأِ اللَّهُ بِهِ». اگر کسی در خلوت گناهی کند خدا به او توجه نمی‌کند. در جلوت آدم از حیوانات هم حیا می‌کند چه برسد به هم نوع خودش. انسان يك وقتی خلوتی پیدا می‌کند و موبایلی در اختیار دارد راهی دارد و می‌تواند گناهی کند که آن مهم است.

حضرت فرمود «أَيُّ شَيْءٍ قُلْتَ لِلْمَرْأَةِ» این حرف چی بود که در حین یاد دادن قرآن به آن زن زدی؟ ابوبصیر می‌گوید «فَعَطَّيْتُ

وَجْهِي حَيَاءً وَ تُبْتُ» دستم را گذاشتم روی صورتم و حیا کردم و توبه کردم، بعد حضرت فرمود دیگر این مطلب را تکرار نکن^[2].

این مسئله باید الآن باورمان باشد، ما افتخارمان این است که سرباز امام زمان (علیه السلام) هستیم. گفتار ما، اخلاق ما، تمام مورد توجه امام زمان (علیه السلام) است. مبدا يك وقت کاری كنیم که واقعاً قلب حضرت از ما رنجیده شود که دیگر فاتحه‌ی ما خوانده می‌شود. باید همیشه کاری كنیم که رضایت آن حضرت را کسب كنیم، ارتباط پیدا كنیم. این ملاقات‌ها و این چیزهایی که در این چند دهه اخیر بیشتر رایج شده که اکثرش دروغ است. حالا اگر حمل بر صحت كنیم خیال است يك خیالی کرده.

ما در زمان غیبت ملاقات اختیاری که يك انسان بگوید من امروز می‌خواهم خدمت حضرت بروم مشرف شوم به هیچ وجهی نداریم و برای هیچ کسی واقع نشده. ملاقات اختیاری بر حسب آن توقیع شریف ممکن نیست. اگر بوده غیر اختیاری و اضطراری بوده بعد الملاقات بوده. آنچه مهم هست اینست که ارتباط قلبی داشته باشیم واقعاً خودمان را از وقتی از خواب برمی‌خیزیم در محضر امام زمان بدانیم تا وقتی می‌خواهیم بخوابیم. با سلام بر آن حضرت برخیزیم و با سلام بر آن حضرت بخوابیم. وجودمان را مهدوی كنیم اینها ارزش دارد. ببینیم امروز آن حضرت از ما چه می‌خواهد؟ برای حفظ این نظام حضرت از ما چه می‌خواهد؟ برای خدمت به اسلام چه می‌خواهد؟ اینها مسائلی است که باید به آن توجه داشته باشیم و ان شاء الله همه آقایان توجه خواهند داشت.

و صلي الله علي محمد و آله الطاهرين

[1] □ کمال الدین و تمام النعمة، ج 1، ص: 320 و الإحتجاج علی أهل اللجاج (للطبرسی)، ج 2، ص: 318: ...یا أَبَا خَالِدٍ إِنَّ أَهْلَ زَمَانٍ غَیْبَتِهِ الْقَائِلِينَ بِإِمَامَتِهِ وَ الْمُنتَظِرِينَ لِظُهُورِهِ أَفْضَلُ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ لِأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى ذِکْرُهُ أَعْطَاهُمْ مِنَ الْعُقُولِ وَ الْأَفْهَامِ وَ الْمَعْرِفَةِ مَا صَارَتْ بِهِ الْغَیْبَةُ عِنْدَهُمْ بِمَنْزِلَةِ الْمَشَاهِدَةِ وَ جَعَلَهُمْ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ بِمَنْزِلَةِ الْمُجَاهِدِينَ بَيْنَ يَدَيِ رَسُولِ اللَّهِ بِالسَّيْفِ أُولَئِكَ الْمُخْلَصُونَ حَقًّا وَ شِيعَتُنَا صِدْقًا وَ الدُّعَاةُ إِلَى دِينِ اللَّهِ سِرًّا وَ جَهْرًا...

[2] □ الخرائج و الجرائح، ج 2، ص: 594: مَا رَوَى عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ كُنْتُ أُفْرِئُ امْرَأَةً الْقُرْآنَ بِالْكَوْفَةِ فَمَازَحَتْهَا بِشَيْءٍ فَلَمَّا دَخَلْتُ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ عَاتَبَنِي وَ قَالَ مَنْ ارْتَكَبَ الذَّنْبَ فِي الْخَلَاءِ لَمْ يَعْأِ اللَّهُ بِهِ أَى شَيْءٍ قُلْتُ لِلْمَرْأَةِ فَعَطَيْتُ وَجْهِي حَيَاءً وَ تُبْتُ فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ ع لَا تَعُدُّ.